

اخلاق بیانی و نفی پرخاشگری

دکتر احمدعلی نوربالا

(استاد روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران)

زمان:

8 تیرماه 1394



هدف از این سخنرانی:

ریشه‌یابی افراط‌گرایی دینی، نفی پرخاشگری و زدودن اتهام خشونت به خداوند و پیامبر اسلام و ایرانیان اصیل و آموزش رعایت اخلاق در انتقال مفاهیم بیانی است.

* تعریف بیان: انتقال مکنونات ذهنی و قلبی به دیگران از طریق رفتار ایجابی (مثبت) و یا سلبی (منفی). انواع بیان و مکنونات می‌تواند به شکل گفتاری یا نوشتاری با کتاب و مقاله و نامه و یا به صورت هیجانی از طریق گریه کردن و خندیدن و عصبانیت و یا به صورت علامتی باشد و یا به شکل بی‌توجهی باشد.

* تعریف اخلاق بیانی: رعایت حداکثر حرمت و کرامت انسانی در برخورد با دیگران زمان انتقال موضوع با هر یک از روش‌های بیان، که در بالا به آن‌ها اشاره شد.

* تعریف پرخاشگری از نظر Hilgard: رفتاری است به قصد صدمه رساندن (جسمی یا زبانی) به فردی دیگر یا نابود کردن دارایی دیگران.

* تعریف پرخاشگری از نظر Kaplan و Sadock: بسیاری از رفتارها با این که منجر به آسیب جسمی نمی‌شوند ولی پرخاشگرانه محسوب می‌شوند از جمله پرخاشگری کلامی، اعمال زور، میج‌گیری، ارعاب، سبک‌های مدیریتی که منجر به پیامدهای روان‌شناختی زبانباری برای دیگران می‌شود و نیز طرد اجتماعی عمدی دیگران از مصادیق بارز پرخاشگری هستند و نباید تا ثیر این رفتارها در عزت نفس، وضعیت اجتماعی و شادی عوامل دریافت کننده، دست کم گرفته شود.

اهمیت پرخاشگری: در همه جای دنیا صحنه‌های متعدد پرخاشگری قابل رویت است. در دهه 1990 چهار میلیون نفر کامبوجی توسط کامبوجی‌ها کشته شدند، در قرن بیستم 80-100 میلیون نفر بر اثر خشونت کشته شدند، در آمریکا سالانه 20000 نفر قتل، 700000 نفر آزار و اذیت، 200000 نفر تجاوز و 1/5 میلیون مورد جرم خشونت بار، آمار متعدد از قتل عام‌ها و نسل‌کشی‌های سال‌های پیشین در آفریقا (روآندا)، نسل‌کشی‌های چندی پیش در اروپا

(یوگسلاوی سابق)، درگیری مژمن اعراب و اسرائیل و جنگ عراق و ایران، جنگ‌های داخلی و دیگر کشی از طریق طالبان، النصره، داعش، بوکوحرام، الشباب و غیره که متأسفانه این اواخر به نام اسلام برخی از این خشونت‌ها یدک کشیده می‌شوند.

واقعیت مسئله این است که شاخصه‌ای که ما برای پرخاشگری ذکر می‌کنیم این است که نیت و هدف در آن وجود دارد که هدف هم ضربه زدن و ضرر رساندن است.

در عصری که سلاح هسته‌ای به صورت گسترده در دسترس است حتی یک اقدام پرخاشگرانه نیز می‌تواند فاجعه به بار آورد. بسیاری اوقات پرخاشگری کلامی محرک و مقدمه پرخاشگری فیزیکی خطرناک می‌باشد.

در بحث اهمیت پرخاشگری مفید است که به مستند تحقیقی بیش از 200 دانشمند برجسته دنیا دریک پژوهش مشترک سازمان بهداشت جهانی، بانک جهانی و.. اشاره نمایم که براساس یافته این پژوهش، بار بیماری‌ها تا سال 2020 بر اساس سال پایه 1990 به شرح زیر پیش بینی شده است:

اختلال افسردگی اساسی از رتبه 4 به رتبه 2 افزایش می‌یابد.

حوادث رانندگی در جاده‌ها از رتبه 9 به رتبه 3 افزایش می‌یابد.

خشونت از رتبه 19 به رتبه 12 افزایش می‌یابد.

صدمه به خوداز رتبه 17 به رتبه 14 افزایش می‌یابد.

عوارض ناشی از جنگ از رتبه 16 به رتبه 8 افزایش می‌یابد.

که این نشان می‌دهد جهان پیش رو جهان امنی نخواهد بود و جهان پیش رو تا سال 2020، نیاز به خدمات سلامت روان بیشتری دارد.

البته براساس پژوهش جدیدتر، پیش‌بینی بار بیماری‌ها برای برخی بیماری‌ها و حوادث از سال 2002 تا 2030 میلادی نیز به شرح زیر اعلام شده است:

اختلال افسردگی اساسی از رتبه 4 به رتبه 2 تغییر می‌یابد (رتبه یک در کشورهای توسعه یافته، و در کشورهای در حال توسعه بعد از ایدز، رتبه دوم).

حوادث رانندگی در جاده‌ها از رتبه 8 به رتبه 4 تغییر می‌یابد.

خشونت از رتبه 15 به رتبه 13 تغییر می‌یابد.

بیماری دیابت (اختلال روان تنی) از رتبه 20 به رتبه 11 تغییر می‌یابد.

بنابراین می‌توان استنباط نمود که جهان پیش رو تا سال 2030، نیاز به خدمات سلامت روان بیشتری دارد.

همچنین رتبه بندی بار بیماری‌ها در ایران مطابق مطالعه دکتر فروزانفر و همکاران در سال‌های 1389 تا 1393 به شرح ذیل اعلام شده است:

- رتبه‌بندی بار بیماری‌ها برای مردان (12 رتبه اول):

حوادث جاده‌ای، درد پایین کمری، اختلالات افسردگی اساسی، بیماری ایسکمیک قلبی، اختلالات مصرف دارو، خشونت بین فردی، آسیب رساندن به خود، ایدز، اختلالات اضطرابی، درد گردنی، دیابت، سقوط

- رتبه بندی بار بیماری‌ها برای زنان (12 رتبه اول):

اختلالات افسردگی اساسی، درد پایین کمری، حوادث جاده ای، اختلالات اضطرابی، سایر اختلالات عضلانی اسکلتی، آمی فقر آهن، بیماری ایسکمیک قلبی، درد گردنی، میگرن، دیابت، اختلالات مصرف دارو، اختلال دوقطبی

- رتبه بندی بیماری‌ها و عوامل خطر در ایران و قیاس با میانگین جهانی مطابق مطالعات دکتر فروزانفر در سال‌های 1389 تا 1393 به شرح ذیل است:

حوادث جاده‌ای: رتبه 3 در قیاس با رتبه 10 جهانی

اختلالات اضطرابی: رتبه 10 در قیاس رتبه 26 جهانی

اختلال افسردگی: رتبه 4 در قیاس با رتبه 11 جهانی

اختلالات مصرف دارو: رتبه 12 در قیاس با رتبه 31 جهانی

دیابت: رتبه 9 در قیاس بارتبه 14 جهانی

عامل خطر مصرف دارو: رتبه 10 در قیاس با رتبه 15 جهانی

عامل خطر خشونت خانگی: رتبه 13 در قیاس بارتبه 16 جهانی

این یافته‌ها نشان می‌دهد که در ایران نیز، شرایط مطلوبی از نظر سلامت روان وجود ندارد.

- مطالعات دکتر نوربالا و همکاران بر روی وضعیت سلامت روان شهر تهران در سال‌های 1378، 1387 و 1390 بر روی جمعیت 15 سال به بالا نیز به شرح ذیل است:

در سال 1378 جمعیت نمونه 6697 نفر بوده‌اند که شیوع نشانه‌های روان شناختی 21/5 درصد برآورد شده است که در سال 1387 با جمعیت نمونه 19370 نفر شیوع نشانه‌های روان شناختی‌ها 34/2 درصد و این رقم در سال 1390 به 39/6 درصد افزایش پیدا کرده است. این نشان می‌دهد که در بحث وضعیت سلامت روان شهر تهران، طی سال‌های اخیر متأسفانه رشد فزاینده‌ای داشته‌ایم.

پرخاشگری و جنسیت:

بحث دیگر در خصوص پرخاشگری این است که آیا پرخاشگری با جنسیت ارتباطی دارد یا خیر که از مطالعات مختلف نتایج زیر بدست آمده است:

مردها در تمام فرهنگ‌ها پرخاشگرتر از زن‌ها هستند.

مردها از همان ابتدای زندگی یعنی از دو سالگی پرخاشگرتر از زن‌ها هستند.

پرخاشگری در بین انسان‌های مذکر و حیوانات نر از انسان‌های مؤنث و حیوانات ماده بیشتر است.

در مطالعات طولی، تفاوت جنسیتی خاصی در پرخاشگری کلامی کودکان هشت ساله دیده نشد اما زن‌ها در 18 سالگی بیشتر از مردان پرخاشگری کلامی داشتند. وقتی می‌گوییم مردان پرخاشگرتر از زن‌ها هستند، نباید عجلوانه نتیجه بگیریم که پس همه مردها از همه زن‌ها پرخاشگرترند. تفاوت‌های جنسیتی در پرخاشگری فیزیکی از تفاوت‌های جنسیتی در پرخاشگری کلامی شدیدتر است.

در مطالعات اخیر به این نتیجه دست یافته‌اند که بسامد خشونت خانگی که در آن یکی از همسران به دیگری صدمه می‌رساند در مردان و زنان تقریباً مساوی است.

در خصوص بیماری‌رانی هم که جزو بستری شدگان دراز مدت بخش‌های روان‌پزشکی هستند، مطالعات نشان می‌دهد که شیوع پرخاشگری در مردان و زنان تقریباً مساوی است.

- سبب‌شناسی و علت پرخاشگری:

1- عوامل روان‌شناختی:

فروید معتقد بود پرخاشگری عمدتاً از تغییر جهت غریزه خود تخریبگر مرگ از خود به سمت دیگران ریشه می‌گیرد. همچنین لورنز در این خصوص معتقد بود که پرخاشگری از سائق جنگ ریشه می‌گیرد، که مشترک بین انسان و سایر موجودات است. یک دیدگاه دیگر در این خصوص که طرفداران زیادی هم دارد، معتقد است پرخاشگری عمدتاً نوعی رفتار اجتماعی آموخته شده است؛ و از دیگران پرخاشگری را یاد می‌گیرند.

2- عوامل اجتماعی:

در خصوص این عوامل مطالعات زیادی انجام شده است.

- ناکامی: ناکامی همواره به نوعی به پرخاشگری می‌انجامد و پرخاشگری همیشه از ناکامی ریشه می‌گیرد.
- تحریک مستقیم: اگر فرد مورد بدرفتاری جسمی و تمسخر کلامی قرار گیرد اغلب، اعمال پرخاشگرانه در وی برانگیخته می‌شود و اگر پرخاشگری آغاز شود، اغلب از الگوی تشدید بی‌امان پیروی می‌کند.
- تقویت و یادگیری مشاهده‌ای (خشونت تصویری: سینما، تلویزیون، کامپیوتر،...): اثرات تجمعی مشاهده خشونت منجر به بروز خشونت در کودکان می‌شود.

3- عوامل محیطی:

- آلودگی هوا (گازهای بد بو...)
- آلودگی صوتی (سروصدا...)
- ازدحام (شلوغی، ترافیک...)

که متأسفانه تمام این عوامل محیطی در تهران موجود است.

4- عوامل موقعیتی:

- افزایش برانگیختگی فیزیولوژیک
- برانگیختگی جنسی
- درد

5- عوامل شناختی:

- انتظارات (انتظار نداشتن)
- انصاف (بی عدالتی)

سال تاسیس

۱۳۸۳

- نیت (عمدی)

- مسئولیت پذیری (آمر، عامل)

6-عوامل زیستی:

- هورمون‌ها (اندرژن)

- نوروترانسمیترها (Ach, Ne منجر به تشدید و 5HT, GABA منجر به مهار)

- داروها و مواد: الکل، باربیتورات، ضد اضطراب‌ها، افشانه‌ها

- وابستگی به مواد شبه افیونی: محرک‌ها، کوکائین، توهمزها

- صدمه نورواناتومی

- وراثت: دوقلوها، عوامل کروموزومی

در خصوص ارتباط پرخاشگری و اختلالات روانی، مواردی نظیر کند ذهنی، بیش‌فعالی، اختلال سلوک، اختلال شناختی و زوال عقل دیده شده است.

- انواع پرخاشگری:

1- فیزیکی:

الف- آسیب‌بدی (مشت و لگد)

ب- آسیب‌ابزاری (چماق، کمر بند، اسلحه)

ج- آسیب‌عاملی (توسط افراد تحریک‌شده)

2- نوشتاری: مقاله، شعر، داستان، تحلیل، طنز (روزنامه، مجله، کتاب)

3- تصویری: فیلم، سریال، کاریکاتور، نقاشی، عکس

4- علامتی: قهر، روی‌برگرداندن، ایما و اشاره، نگاه معنی‌دار

5- کلامی: تعریف: حمله با نیت، به خود- پنداره یا آسیب‌رساندن به تصویر خود فرد دیگر، که خصومت سرکوب شده، یادگیری اجتماعی و اهانت، از عوامل زمینه‌ساز آن بوده و راهی برای جبران نقص در مهارت‌های بحث و گفتگو است.

الف- هرزه‌گویی (فحاشی)

ب- کنایه‌گویی (زخم‌زبان)

ج- متلک‌گویی (تکه‌انداختن)

د- سخره‌گویی (جوک و شوخی تحقیرآمیز)

ه- پشت‌سر بدگویی (غیبت)

و- زیر لب گویی (غرولند)

ز- ابزارگویی (بوق، شیپور، سوت، زنگ)

- کیفیت پرخاشگری کلامی:

1- شیوه ادای پرخاشگری کلامی:

- مخاطب مستقیم

دو نفری (با یا بدون حضور جمع)

تریبونی (تحریک از طریق جمع)

گروهی (تبعیت از جمع)

- مخاطب غیرمستقیم

عمومی

مماسی

2- محتوای پرخاشگری کلامی:

جاهلی (فحاشی و بی‌نزاکتی)

معمولی (توهین، تحقیر و تمسخر، اتهام، افترا...)

علمایی (استدلالی)

این ایده قدیمی است (تجبر و تعصب) یا این ایده غیرمبنایی است (انحراف از اصول و استحاله)

نتیجه پرخاشگری کلامی:

- موجد آسیب روانی: تحقیر شخصیتی و ایجاد عامل زمین‌های برای اختلالات روانپزشکی

- محرک آسیب جسمی (جراحت، قتل) از طریق تحریک پرخاشگری فیزیکی

- عامل انتقام‌گیری (بروز خشونت و انواع پرخاشگری و ایجاد دور تسلسل)

نمونه اخلاق بیانی درآموزه‌های دینی و اجتماعی ایران باستان

ما معتقدیم زرتشت پیامبری متعلق به ایرانیان بوده و 600 سال قبل از میلاد بوده ولی ما سه اصل گفتار نیک، پندار نیک، کردار نیک را از ایشان یاد گرفته‌ایم که از ایشان به یادگار مانده که باعث افتخار ایرانیان نیز می‌باشد.

منشوری که از کوروش کبیر یاد شده، به شرح ذیل است:

اینک که به یاری مزدا تاج سلطنت ایران، بابل و کشورهای چهار گانه را بر سر گذاشته‌ام، هست اعلام می‌کنم که:

4- سفارش به عمل و گفتار پسندیده و خوب:

طَاعَهُ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَلَوْ صدَّقُوا اللهَ لَكَانَ خَيْرٌ لَهُمْ (21) سوره محمد: فرمانبرداری [از خدا و پیامبر] و سخن پسندیده و نیک برای آنان شایسته تر است. اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی شود با خدا از سر صدق و راستی درآیند، بی تردید برای آنان بهتر است

5- سفارش به گفتار رسا و روان (در برابر منافقین):

اولئك الَّذِينَ يَعْلَمُ اللهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَ عَظَّمَهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِي انْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (63) سوره نساء اینان کسانی هستند که خدا آنچه را [از نیات شوم و کینه و نفاق] در دل های آنان است می داند؛ بنابراین از آنان روی برتاب، و پندشان ده، و به آنان سخنی رسا که در دلشان اثر کند بگوی

6- سفارش به گفتار بزرگووارانه و کریمانه (با والدین):

و قضی رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا اِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ اَحْذَرُهُمَا اَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا اُفًّا وَ لَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (23) سوره اسراء و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند [چنانچه تو را به ستوه آورند] به آنان اَف مگویی و بر آنان [بانگ مزین و] پرخاش مکن، و به آنان سخنی نرم و شایسته [و بزرگووارانه] بگو

7- سفارش به گفتار سهل و آسان (در مواجهه با اسراف کنندگان):

وَ اِمَّا تَعْرِضَنَّ عَنْهُمْ اِبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مِيسُورًا (28) سوره اسراء و اگر باید از آنان روی بگردانی [و این روی گردانی] برای طلب رزقی است که از سوی پروردگارت رسیدن به آن را امید داری؛ پس با آنان سخنی نرم و امیدوار کننده بگو.

8- سفارش به گفتار خوش (در مواجهه با کم خردان):

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيْهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (5)، النساء: و به کم خردان، اموالشان را که خداوند شما را به سرپرستی آن گماشته است ندهید واز (سود و بهره) آن، خوراک و پوشاکشان دهید ویا آنان به زبان خوش سخن بگویید.

9- پرهیز از دروغگوئی:

وَيْلٌ لِّكُلِّ اَفَّاكٍ اِثِمٍ (7) سوره جاثیه، وای بر هر دروغگوی گنهکار ،

10- پرهیز از عیبجویی و طعنه زدن (بدگویی):

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (1) سوره همزه، وای بر هر عیبجوی بدگوی !

11- پرهیز از عیبجویی سرسختانه و سخن چینی:

فَلَا تُطْعِ الْمُكْذِبِينَ (8) وَوَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (9) وَ لَا تُطْعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (10) هَمَّازٌ مِّمَّاءٍ بِنَمِيمٍ (11) سوره قلم، از تکذیب کنندگان [قرآن و نبوت] فرمان مبر. «8» دوست دارند نرمی کنی تا نرمی کنند، «9» و از هر سوگند خورده زبون و فرومایه فرمان مبر، «10» آنکه بسیار عیب جوست، و برای سخن چینی در رفت و آمد است،

12- پرهیز از بیهودگی و ناروایی:

قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (1) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (2) وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللّٰغُو مُعْرِضُونَ (3) سوره مؤمنون بی تردید مؤمنان [بر موانع راه سعادت] پیروز شدند. «1» آنان که در نمازشان [با حضور قلب] و فروتن اند. «2» و آنان که از [هر گفتار و کردار] بیهوده روی گردانند

و الذين لا يشهدون الزور و اذا مروا باللغو مروا كراماً (72) سوره فرقان آنان که تن به شهادت ناحق نمی دهند و در مجالس باطل حاضر نمی شوند، و هنگامی که بر گفتار و کردار لغو می گذرند، با بزرگواری و متانت می گذرند

13 - پرهیز از پلیدی و گفتار باطل:

ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (30) این است [آنچه به عنوان مناسک حج قرار داده‌ایم] و هر کس مقررات خدا را بزرگ شمارد، برای او نزد پروردگارش بهتر است. و چهارپایان مگر آنچه [در آیات دیگر، حُرْمَتش] بر شما خوانده می‌شود، برای شما حلال شده است؛ بنابراین از پلیدی بت‌ها و از گفتار باطل [چون دروغ، افتراء، غیبت و شهادت ناحق] دوری گزینید. «30» سوره الحج

14- پرهیز از فریاد زدن با گفتار زشت:

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِماً (148) سوره نساء خدا افشای بدی‌های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته‌است [که بر ستم‌دیده برای دفع ستم، افشای بدی‌های ستمکار جایز است]؛ و خدا شنوا و داناست

15- پرهیز از استهزاء، عیب جوئی، بد لقب دادن:

- یا ایهاالذین آمنوا لا یسخرن قوم من قوم عسی آن یكونوا خیراً منهم ولا نساء من نساء عسی آن یکن خیراً منهن ولا تلمزوا أنفسکم ولا تنازروا باللقاب بس الفسوق بعد الايمان، ومن لم یتب فاولئک هم الظالمون (11) سوره حجرات: ای اهل ایمان! نباید گروهی دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و نباید زانی زنان دیگر را [مسخره کنند] شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و یکدیگر را با لقب‌های ناپسند صدا نزنید؛ بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت‌گذاری کنند. و کسانی که [از این امور ناهنجار و زشت] توبه نکنند ستمکارند

16- پرهیز از سوء ظن، تجسس و غیبت:

یا ایهاالذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن أن بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضاً ایحِبُّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً فکرموه واتقواالله أن الله تواب رحیم (12) سوره حجرات ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان‌ها [در حق مردم] بپرهیزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است، و [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهنداند] تفحص و پی‌جویی نکنید، و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا احدی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ بی‌تردید [از این کار] نفرت دارید، از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است

17- پرهیز از دشنام به کافران:

و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدواً بغیر علم کذلک زیناً لکل امة عملهم ثم إلى ربهم مرجعهم فینبئهم بما كانوا یعملون (108) سوره انعام: و معبودانی را که کافران به جای خدا می‌پرستند، دشنام ندهید، که آنان هم از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی عملشان را آراستیم [تا به کیفر لجاجت و عنادشان گمان کنند که آنچه انجام می‌دهند نیکوست]، سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارش خواهد بود، نهایتاً آنان را به اعمالی که همواره انجام می‌دادند، آگاه می‌کند

18- برخورد اسلام با جاهلان:

و عبداً لرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً (63) سوره فرقان بندگان رحمان کسانی هستند که روی زمین با آرامی و فروتنی راه می‌روند، و هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می‌دهند [در پاسخشان] سخنانی مسالمت‌آمیز می‌گویند

19- برخورد با کرامت در مواجهه با لغو:

و الذین لا یشهدون الزور و اذا مروا باللغو مروا کراماً (72) سوره فرقان: آنان که تن به شهادت ناحق نمی‌دهند و در مجالس باطل حاضر نمی‌شوند، و هنگامی که بر گفتار و کردار لغو می‌گذرند، با بزرگواری و متانت می‌گذرند

20- سفارش به بحث و مجادله احسن:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ أَنْ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۲۵) سوره النحل: [مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] بپرداز، یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند و نیز به راه یافتگان داناتر است.

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (46) سوره العنکبوت: و با اهل کتاب جز با نیکوترین شیوه گفتگو مکنید، مگر با کسانی از آنان که [در گفتگوی با شما] ظالمانه به میدان آیند، و بگویید: به آنچه به سوی ما و به سوی شما نازل شده است، ایمان داریم و معبود ما و معبود شما یکی است و ما تسلیم [فرمان‌ها و احکام] او هستیم

21- پرهیز از بحث و مجادله بدون علم:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ (3) سوره الحج: و برخی از مردمانند که [همواره] بدون هیچ دانشی [بلکه از روی نادانی] درباره خدا [با اصرار بر یک اعتقاد بی‌پایه] گفتگوی بی‌منطق می‌کنند، و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نمایند

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (8) ثانی عَطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ (9) سوره الحج: از مردمان کسی است که همواره بدون هیچ دانشی [بلکه از روی نادانی] و بدون هیچ هدایتی، و هیچ کتاب روشنی درباره خدا گفتگوی بی‌منطق می‌کند. «8» [آن‌هم] با حالتی متکبرانه و مغرورانه که سرانجام مردم را از راه خدا گمراه کند؛ برای او در دنیا رسوایی است و روز قیامت عذاب سوزان به وی می‌چشانیم

22- گفتار خداوندی سالم و بدون عیب:

سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (58) سوره یس: با سلامی [امنیت‌آور و سلامت‌بخش] که گفتاری از پروردگاری مهربان است
وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (54) سوره انعام: و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند به نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده؛ بنابراین هر کس از شما به نادانی کار زشتی مرتکب شود، سپس بعد از آن توبه کند و [مفاسد خود را] اصلاح نماید [مشمول آمرزش و رحمت خدا شود]؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است

23- امر خداوندی در شب قدر سلام است:

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (4) سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (5) سوره قدر فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای [تقدیر و تنظیم] هر کاری نازل می‌شوند. «4» این شب تا برآمدن سپیده‌دم [سراسر] سلام و رحمت است

24- رؤف و رحیم بودن رسول خدا (ص):

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (128) فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (129) سوره توبه: یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است. «128» پس اگر [منافقان] از حق روی گردانند، بگو: خدا مرا بس است، هیچ معبودی جز او نیست، فقط بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است

25- نرم‌خویی رسول خدا (ص) و دستور به مشورت کردن:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (159) سوره آل عمران: [ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند؛ بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آمرزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد.

26- رعایت اخلاق بیانی حتی در مواجهه با نابینایان:

عَبَسَ وَتَوَلَّى (1) أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (2) وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى (3) أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى (4) أَمَا مَنِ اسْتَعْنَى (5) فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (6) وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (7) وَأَمَّا مَن جَاءَكَ يَسْعَى (8) وَهُوَ يَخْشَى (9) فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى (10) كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (11) فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ (12) سوره عیس

چهره در هم کشید و روی گردانید، «1» از اینکه آن مرد نابینا (عبدالله‌ام مکتوم) نزد او آمد! «2» تو چه می‌دانی شاید او [در پرتو تعالیم اسلام از آلودگی] پاک و پاکیزه شود «3» یا متذکر [حقایق] گردد و آن تذکر او را سود دهد؛ «4» اما کسی که خود را ثروتمند نشان می‌دهد «5» تو به او روی می‌آوری [و نسبت به وی اهتمام می‌ورزی] «6» در حالی که اگر او نخواهد خود را [از آلودگی‌های باطنی و عملی] پاک کند تکلیفی بر عهده تو [نسبت به او] نیست؛ «7» و اما آنکه شتابان نزد تو آمد «8» در حالی که [از پروردگارش] می‌ترسد، «9» تو [با روی گردانی] از او به دیگران می‌پرداز. «10» این چنین [بر خوردی شایسته] نیست، بی‌تردید این آیات قرآن مایه پند است. «11» پس هر که خواست از آن پند گیرد، «12»

27- دستور به پیغمبر مبنی بر اظهار سلام به مومنین:

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. 54
انعام: و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند به نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده؛ بنابراین هر کس از شما به نادانی کار زشتی مرتکب شود، سپس بعد از آن توبه کند [و مفسد خود را] اصلاح نماید [مشمول آموزش و رحمت خدا شود]؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است

28- هدایت بهشتیان با گفتار پاک:

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطٍ الْحَمِيدِ (24) الحج: و به سوی گفتار پاک و پاکیزه راهنماییشان کنند (بهشتیان را)، و به راه پسندیده هدایتشان نمایند.

29- سلام، شنیداری در بهشت موعود:

جَنَّتِ عَذْنِ النَّبِيِّ وَعَدَّ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (61) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (62) مريم- بهشت‌های جاویدی که [خدای] رحمان به بندگانش وعده داده درحالی که اکنون از نظرها پنهان است، یقیناً وعده خدا آمدنی است. «61» در آنجا کلام بیهوده‌ای نمی‌شنوند، بلکه آنچه می‌شنوند فقط سلام و درود است؛ و در آنجا صبح و شام، رزقشان برای آنان [آماده] است.

30- پاداش مقربان، گفتاری با سلام سلام:

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (24) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا (25) إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (26) واقعه:- پاداشی است در برابر اعمالی که همواره انجام می‌دادند. «24» در آنجا نه سخن بیهوده‌ای می‌شنوند، نه کلام گناه‌آلودی، «25» مگر سخنی که سلام است و سلام

در این قسمت به چند سوء برداشت قرآنی اشاره‌ای خواهم داشت:

- اصلاح سوء برداشت قرآنی (غلطت مومنین)

1- " يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ، آیه 123 توبه ای اهل ایمان! با کافرانی که هم‌جوار شما هستند نبرد کنید؛ و آنان باید در شما سرسختی و شدت یابند؛ و بدانید که خدا با پرهیزکاران است

معنای «غلظة» در جمله «و لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» شدت و سرسختی نشان دادن بخاطر خداست، و معنایش این نیست که با کفار خشونت و سنگدلی و بد اخلاقی و قساوت قلب و جفا و بی مهری نشان دهید، زیرا این معنا با هیچ یک از اصول دین اسلام سازگار نیست، و معارف اسلامی همه آن را مذمت و تبییح کرده‌اند، و آیات مربوط به جهاد هم از هر تعدی و ظلم و جفایی نهی کرده، که شرحش در سوره بقره گذشت. تفسیر المیزان، جلد 9، ص 551

- غلظ و غلاظ جمع غلیظ و ضد رقیق است: سفت، محکم و سخت

- شداد، جمع شدید. اشداء، صفت تفصیلی: پهلوان، قهرمان، نیرومند در تصمیم و عمل، سخت و بی سازش

ابن عباس گفته: «غلظت» در اینجا بمعنای شجاعت است. و مجاهد گفته: یعنی سختی، و حسن گفته: یعنی صبر و پایداری در جهاد.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا. آیه 7 سوره احزاب

و [یاد کن] زمانی را که از پیامبران [برای ابلاغ وحی] پیمان گرفتیم، و [نیز] از تو و از نوح و از ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم، و از همه آنان پیمانی محکم و استوار گرفتیم، (7)

2- مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ..... آیه 29 سوره فتح

محمد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» اینجا خداوند صریحاً نام پیامبر را برده است تا هر نوع شک و شبهه‌ای را بر طرف سازد، در اینجا سخن تمام شده، سپس خداوند مؤمنین را مورد مدح خود قرار داده میفرماید:

«وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» حسن گوید: شدت مؤمنین به‌جایی رسیده بود که حتی از لباس مشرکین دوری می‌جستند که به لباس آنان نجسید، و نیز بدن‌های خود را از بدن‌های آنان دور می‌گرفتند که به بدن آنان تماس پیدا نکنند، و مهربانی آنان در بین یکدیگر به‌جایی رسیده بود که هیچ مؤمنی برادر دینی خود را نمی‌دید مگر آنکه با او روبروسی کرده دست می‌داد، و مثل این آیه است (أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ) یعنی: مؤمنین نسبت به یکدیگر متواضع و نسبت به کافران سرسخت (محکم و استوار) می‌باشند. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 23، ص: 176

3- " يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ عَلَىٰهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ. تحریم-6- ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است حفظ کنید. بر آن فرشتگانی محکم و سخت‌گیر گمارده شده‌اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی‌کنند، و آنچه را به آن مأمورند، همواره انجام می‌دهند.

کلمه «غلاظ» جمع «غلیظ» است، و غلیظ ضد رقیق است، و مناسب‌تر با مقام این است که منظور از "فرشته غلیظ" و «فرشتگان غلاظ» فرشتگانی باشد که شدت عمل دارند، (چون فرشتگان مثل ما آدمیان قلب مادی ندارند تا متصف به خشونت و رقت شوند) در آیه‌ای هم که بعداً می‌آید غلظت را عبارت از غلظت در عمل دانسته، فرموده: «جاهدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ» کلمه «شداد» هم جمع شدید است، که به معنای پهلوان و قهرمان و نیرومند در تصمیم و عمل است. [مراد از توصیف ملائکه موکل بر جهنم به غلاظ و شداد بودن و اینکه: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»] و جمله «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» به منزله تفسیری است برای جمله «غلاظ شداد»، می‌فرماید: منظور از غلاظ و شداد این است که فرشتگان نامبرده ملازم آن ماموریتی هستند که خدای تعالی به آنان داده، و غیر از خدا و اوامرش هیچ عامل دیگری از قبیل رقت و ترحم و امثال آن در آنان اثر نمی‌گذارد، و خدا را با مخالفت و یا رد، عصیان نمی‌کنند، هر چه را مامور باشند مو به مو اجرا می‌کنند، بدون اینکه چیزی از خود آنان فوت شود، و یا به خاطر ضعف و خستگی از ماموریت کم کنند. ترجمه المیزان، ج 19، ص: 560 و 561

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بئسَ الْمَصِيرُ» 73 سوره توبه: ای پیامبر! با کافران و منافقان به جهاد برخیز و نسبت به آنان سخت‌گیری کن (استوار باش) جایگاهشان دوزخ است؛ و دوزخ عاقبت بدی است

«جهاد» و «مجاهدت» به معنای سعی و بذل نهایت درجه کوشش در مقاومت است- چه به زبان باشد و چه به دست- تا آنجا که منتهی به کارزار شود. و لیکن در قرآن کریم بیشتر در معنای کارزار استعمال شده، هر چند در غیر قتال نیز استعمال شده مانند آیه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلًا...»، لیکن در آن معنا شایع است. و هر جا که این کلمه در قتال استعمال شده تنها کفار منظورند که تظاهر به مخالفت و دشمنی دارند. و اما منافقین هر چند در واقع کافر و حتی از کفار هم خطرناک‌ترند، چون از راه کید و مکر وارد شده و کارشکنی می‌کنند، لیکن آیات جهاد ایشان را شامل نمی‌شود، برای اینکه ایشان تظاهر به کفر و دشمنی نداشته، در عوض از سایر مسلمانان هم خود را مسلمان‌تر جلوه می‌دهند، و با این حال دیگر معنا ندارد که با ایشان جهاد شود. و لذا چه بسا از استعمال جهاد در خصوص منافقین این معنا بذهن برسد که منظور از آن هر رفتار نیست که مطابق مقتضای مصلحت باشد، اگر مصلحت اقتضاء داشت معاشرتشان تحریم و ممنوع شود و اگر اقتضاء داشت نصیحت و موعظه شوند و اگر اقتضاء داشت بسرزمین دیگری تبعید شوند، و یا اگر رده‌ای از ایشان شنیده شد کشته گردند، و

اگر طور دیگری اقتضاء داشت در حقشان عملی کنند. خلاصه معنای جهاد با منافقین مقاومت در برابر کارشکنی‌ها و نقشه‌کشی‌های ایشان است بهر وسیله‌ای که مصلحت باشد.

و چه بسا جمله «وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» در دنبال جمله «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ» شاهد بر این معنا باشد که مقصود از جهاد غلظت و شدت است. ترجمه المیزان، ج9، ص: 457.

4- لعن در قرآن

لعن = نفرین، نا آفرین، دورباد از رحمت الهی

نمونه اخلاق بیانی درآموزه‌های روایی:

1- عن جعفر بن محمد (ع) عن أبيه (ع) في وصية النبي (ع) لعلی (ع) قال: يا علی افضل الجهاد من اصبح لا يهمل بظلم احد، يا علی من خاف الناس لسانه فهو من اهل النار، يا علی شر الناس من اكرمه الناس إتقاء فحشيه و شره، يا علی شر الناس من باع آخرته بدنياه و شر منه من باع آخرته بدنياه غيره: ای علی، با ارزش ترین جهاد از آن کسی است که به ظلم احدی همت نکند، یا علی، کسی که مردم از زبانش بترسند او اهل آتش است بدترین مردم کسی است که مردم او را به خاطر ترس از دشنام و شرش بزرگ بدارند ای علی، بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیا یش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیای دیگری بفروشد. (روایت 686 از کتاب جهاد با نفس، شیخ حرعاملی)

2- عن ابی عبدالله (ع) قال: إن الله یحب الحیی الحلیم الغنی المتعفف ألا و أن الله یبغض الفاحش البذی السائل الملحف (روایت 684 از کتاب جهاد بانفس، شیخ حرعاملی): خداوند انسان باحیای بردبار بی‌نیاز با عفاف را دوست دارد و از فرد فحاش آزاررسان و گدای اصرار کننده خشم می‌ورزد.

3- عن امام حسن عسکری (ع) قال: قولوا للناس حسناً، مومنینهم و مخالفینهم، مالمؤمنون فیسیط لهم وجهه، و مالمخالفون فیکلمهم بالمداراه لاجتذابهم الی الایمان. (مستدرک الوسائل، جلد 12، صفحه 261): با دوست و دشمن، مومن و مخالف خوش گفتار باشید، اما برای دوستان مومن به عنوان یک وظیفه که باید همیشه نسبت به یکدیگر با چهره‌ای شاداب برخورد نمایید، اما نسبت به مخالفین به جهت مدارا و جذب آنان به اسلام و ایمان.

- ارائه الگوی انسانی از اخلاق بیانی

الف- حضرت محمد (ص): معرفی قرآن کریم:

إِنَّكَ أَعْلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ (68) سوره قلم

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ (128) فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (129) سوره توبه

نرم‌خویی رسول خدا (ص) و دستور به مشورت کردن:

فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم في الامر فإذا عزمت فتوكل على الله أن الله يحب المتوكلين (159) سوره آل عمران

ب - ارائه الگوی حکومتی:

1- حضرت محمد (ص) پس از فتح مکه:

- امروز روز رحمت است نه روز انتقام و کشتار

- هر کس به خانه رود و در راه روی خود ببندد در امان است.

- هر کس به مسجد الحرام رود در امان است.

- هر کس در خانه ابوسفیان پناهنده شود در امان است.

2- حضرت محمد(ص) پس از فتح خیبر(سال هفتم هجرت):

- با یهودیان پیمان بست که بر سر زراعت خود باشند و در سال نصف محصول را به مدینه بفرستند.

3- حضرت علی(ع) خطاب به فرماندهان و سربازان در جنگ با معاویه (نامه 14):

- چنانچه آن‌ها را به خواست خدا شکست دادید، هیچ فرد در حال فرار را نکشید، جان هیچ مجروحی را نستانید، هیچ اسیری را گردن نزنید، شرمگاه هیچکس را عریان نسازید، مردگان را مثلثه نکنید، به داخل هیچ خانه یا سرپردهای بدون اذن صاحب آن وارد نشوید، اموال آنان به جز اموالی که در لشکرگاه به دست شما می‌افتد به غارت مبرید، این اموال متعلق به وراثت آنان است که طبق مقررات ارث اسلامی باید میان آن‌ها تقسیم شود، زنان را سخن زشت مگوئید و آزار نرسانید حتی اگر بزرگان شما را سب کنند یا نوامیس شما را مورد دشنام قرار دهند.

- ارائه الگوی انسانی:

حضرت علی(ع): در وصییت به فرزندان(نامه 23):

من دیروز یارتان بودم و امروز موجب عبرت شمایم و فردا از شما جدایم. اگر مانند من در خون خود مرا اختیار است و اگر مردم مرگ مرا وعده گاه دیدار است. اگر ببخشیم، بخشش موجب نزدیکی من است به خدای باری، و اگر شما ببخشید برای شما نیکوکاری، پس ببخشید. آیا دوست نمی‌دارید که خدا شما را بیامزد.

- اخلاق بیانی در جنگ از دیدگاه علی(ع)

مِنْ كَلَامِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (از سخنان آن حضرت است) وَ قَدْ سَمِعَ قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِهِ يَسْتُونُ أَهْلَ الشَّامِ أَيَّامَ حَرْبِهِمْ بِصَفِينٍ

هنگامی که شنید عده‌ای از یارانش به وقت نبرد صفین به اهل شام دشنام می‌دهند

إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ، وَلِكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ يَسْتَدُونَ نِيَّتِي أَنْ تَكُونُوا كَمَا كُنْتُمْ، وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكُمْ أَنْ تَكُونُوا كَمَا كُنْتُمْ، وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكُمْ أَنْ تَكُونُوا كَمَا كُنْتُمْ، وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكُمْ أَنْ تَكُونُوا كَمَا كُنْتُمْ.

و دَکَرْتُمْ حَالَهُمْ كَمَا أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ، وَ أَبْلَغَ فِي الْعُدْوِ، وَ حَالِشَانِ رَا بِيَانِ نَمَائِدِ بَهْ گَفْتَارِ صَوَابِ نَزْدِيكَتَرِ وَ دَرِ مَرْتَبَهْ عَذْرِ رَسَاتَرِ اسْت. بَهْتَرِ اسْت.

وَ قُلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِنَّا هُمْ؛ اللَّهُمَّ احْقِنْ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ، وَ اصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ، وَ اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مَنْ حَبَلَهُ، بَه جَاى دَشْنَامِ بَگُوئِد: خدائنده، ما و اینان را از ریخته شدن خونمان حفظ فرما، و بین ما و آنان اصلاح کن، این قوم را از گمراهی نجات بخش تا آن که جاهل به حق است آن را بشناسد،

وَ يَرْعَوَى عَنِ الْغَىِّ وَ الْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ. وَ أَنْ كَهْ شَيْفَتَهْ گَمْرَاهِي اسْت از آن باز ایستد. خطبه 206 نهج البلاغه

- پیامی از امام ابوالحسن الرضا علیه السلام:

ای عبدالعظیم، دوستانم را سلام برسان و به آنان بگو که شیطان را بر خود مسلط نسازند، به راستی و امانتداری و سکوت و ترک جدال، آنان را امر نمای، به دیدار یکدیگر که موجب خوشنودی من است، ایشان را توصیه کن، مباد که به هتک حرمت و پرده دری از یکدیگر مبادرت جویند، که سوگند یاد کرده‌ام، آن کس که چنین کند و دوستی از دوستانم را آزرده سازد، از خداوند بخوهم او را در دنیا به سخت‌ترین عذاب گرفتار سازد و در آخرت در زمره زیانکاران قرارش دهد. ایشان را آگاه کن که خداوند نیکوکاران ایشان را می‌بخشد و از بدکارانشان در می‌گذرد، جز آن که به اوشرک ورزیده، و یا دوستی از دوستانم را آزار رسانیده و یا قصد سوئی نسبت به او در دل پنهان کرده باشد. خداوند چنین کسی را نمی‌بخشد، و چون به کارش اصرار ورزد، روح و حقیقت ایمان از قلبش رخت بریند و از ولایت من بیرون رود و از آن هیچ برخوردار نگردد. که از این به خدا پناه می‌جویم.

- نمونه اخلاق بیانی درآموزه‌های فرهنگی و ادبی

1- حکیم ابوالقاسم فردوسی:

ستون خرد بردباری بود
خردمند باید دل پادشا
بیا تا جهان را به بد نسپریم
چه تندى کند تن بخوارى بود
که تیزی وتندی نیارد بها
به کوشش همه دست نیکی بریم

2- حکیم نظامی گنجوی:

به تندى به غارت برم كشورت
بيارام وتندى رها كن زدست
به خواهش دهم كشور ديگرت
که الماس از ريز بايد شك

- مولانا جلال‌الدین محمد بلخی:

این کند از امر و او بهر ستیز
بر سر استیزه رویان خاک ریز

4- لسان‌الغیب حافظ شیرازی:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

5- شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی:

بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چه گرمی برآید به نرمی و هوش
چه کاری برآید به لطف و خوشی
به تندى و خشم و در شتى مكوش
چه حاجت به تندى و گردن كشى

سال تاسیس
۱۳۸۳

6- ملک‌الشعرای بهار:

مکرر امتحان کردم که بهر زندگی کردن
به است از تندى و آشفته‌گی، نرمی و آرامی

- مصداق‌هایی از اخلاق بیانی درجهان امروزی

دکتر مارشال روزنبرگ، موسس و مدیر بخش آموزشی مرکز ارتباط بدون خشونت (CNVC)، بزرگ شده محلات آشوب زده دیترویت، دکترای روانشناسی بالینی از دانشگاه ویسکانسین در 1961، در سال 1984 مرکز ارتباط بدون خشونت را تاسیس کرد، امروز این مرکز با بیش از 100 آموزگار در بیش از 30 کشور در شمال و جنوب آمریکا، اروپا، آسیا، شرق میانه و آفریقا برنامه آموزشی برای شاگردان، مشاوران، والدین، کادر درمانی، میانجیگرها، مدیران اقتصادی، زندانیان، و زندانبانان، پلیس، افراد ارتش، روحانیون و مقامات حکومتی برگزار کرده است و برنامه‌های ایجاد صلح را در رواندا، بروندي، نیجریه، مالزی، اندونزی، سریلانکا، سیرالئون، شرق میانه، کلمبیا، صربستان، کرواسی و ایرلند شمالی شروع کرده است.

ارتباط بدون خشونت(NVC)، دقیق شنیدن، احترام، همدلی و خواست مشترک و متقابل برای نثار محبت از صمیم قلب را پرورش می‌دهد.

چهار قدم برای ابراز خشم عبارت است از: 1- صبر کردن و نفس کشیدن 2- شناسایی قضاوت‌های ذهنی 3- مرتبط شدن با نیازهای خود 4- ابراز احساسات و نیازهای متحقق نشده مان

آرون گاندی: مؤسس وریس مؤسسه بدون خشونت م. ک گاندی، در پیش‌گفتار کتاب ارتباط بدون خشونت زبان محبت، چنین می‌گوید:

بدون خشونت، القای نگرش‌های مثبت است که جایگزین نگرش‌های منفی مسلط بر وجود ما می‌شود... صلح بر پایه ترس بنا نمی‌شود... بدون خشونت، یعنی به خیر درونتان اجازه دهید که ظاهر شود. به جای نگرش‌های خود محوری و خودخواهی، حرص، تنفر، تعصب، سوءظن، و پرخاشگری که معمولاً بر تفکر ما مسلطاند، تحت سلطه ی عشق، احترام، درک، قدردانی، محبت و توجه به دیگران باشید... اگر خودمان را تغییر دهیم می‌توانیم دنیا را تغییر دهیم و تغییر خودمان با تغییر زبان و روش‌های ارتباطی مان شروع می‌شود.

- نمونه عملی زبان نرم و بدون خشونت:

دو شهروند سوئیسی همراه خانواده‌هایشان به رستوران می‌روند و غذا می‌خورند و وقتی به خانه بر می‌گردند، همگی دچار مشکل گوارشی می‌شوند. بدون اینکه با یکدیگر هماهنگ کنند تصمیم گرفتند که با رستوران تماس بگیرند. به صاحب رستوران مشکل را توضیح دادند و گفتند من تماس نگرفتم که ادعای غرامت کنم بلکه تماس گرفتم تا شما که رستوران خوبی هستید، مشکل را بازنگری کنید تا سبب رنجش سایر مشتریان نشود. مکالمات هر دو نفر را بررسی کردند در حالی که با هم هماهنگ کنند 95 درصد مکالمه آن‌ها شبیه هم بوده است. در عین اینکه اطلاع رسانی کرده اند، بد ذهنی نیز نکرده‌اند و صاحب رستوران هم در جواب گفته که ما بررسی کردیم و با اینکه جز شما مشتری دیگری شکایتی نداشته، اما در یک روز به شکل رایگان به رستوران ما بیایید تا پذیرایی شوید.

- توصیه‌های بیست‌گانه آیت الله العظمی سیستانی به مجاهدان عراقی:

ایشان در توصیه‌ها و نصایح خویش به مجاهدان عراقی آنهارا عزیزان خویش خواند و از آن‌ها خواست به سیره امام علی علیه السلام در زندگی و جنگ علیه کفار و مرتدین و خوارج اقتدا کنند.

رعایت حدود جهاد شرط دریافت فضل الهی، آداب عمومی جهاد (به نام خدا و در راه خدا و بر ملت رسول خدا رهسپار شوید: غلو نکنید، اعضای کشته شدگان را نبرید، نیرنگ نکنید، پیران فرتوت و کودکان و زنان را نکشید و هیچ درختی را قطع نکنید مگر اینکه مجبور شوید). آداب جنگ با مسلمانان سرکش، دقت در موارد مشتبه، رعایت پیران، کودکان و زنان، *به خانه‌ها و منازل تعرض نکنید، *پرهیز از تهمت - حرمت‌ها را مباح شمارید، هر که شهادتین بگوید مسلمان است/ هر بدعتی موجب کفر نمی‌شود، تعرض به غیرمسلمانان خیانت است، *تصرف مال مسلمانان جایز نیست، بازگرداندن اموال مردم، رعایت محرمات الهی، *اعضای کشته شدگان را نبرید، به دشمنان دشنام ندهید، برطرف کردن شبهات، *اتمام حجت قبل از جنگ، هشدار نسبت به ظلم و آثار آن، عدم پیش‌دستی در نبرد، رفتار خیرخواهانه، ادای نمازهای واجب، *یاد خدا در شرایط سخت، مایه زینت اسلام باشید، *از شتاب و عجله بپرهیزید، خیرخواه مردم و حامیان خود باشید، از اشتباهات برادران خود گذشت کنید، *پرهیز از تعصبات بیهوده،

- توصیه‌های مقام معظم رهبری در مورد پرهیز از بداخلاقی بیانی

1- مقام معظم رهبری در دیار مردم یزد در تاریخ 1386/10/12: ایشان با توصیه مؤکد به نامزدهای انتخاباتی و علاقه‌مندان آن‌ها درباره پرهیز از هرگونه بداخلاقی، تخریب و تهمت افزودند: هتک آبرو و تخریب افراد در شبنامه‌ها، مطبوعات، پایگاه‌های اینترنتی و دیگر وسایل به هیچ وجه صحیح و مصلحت نیست و اینجانب درخواست و اصرار می‌کنم که علاقه‌مندان نامزدها فقط به تبلیغ و تعریف از افراد مورد نظر خود بپردازند و از روش‌های تخریبی معمول در برخی کشورها به شدت پرهیز کنند.

2- مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم در تاریخ 1386/10/19: جناح‌های مختلف کشور، بداخلاقی و بدگوئی و اهانت و تهمت و این حرف‌ها را مطلقاً راه ندهند. این از آن چیزهایی است که اگر پیش بیاید، دشمن از او خوشحال می‌شود.

مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی در تاریخ 1370/11/2: نیروی انتظامی محبوبیت خود را باید در چه چیزی به دست بیاورد؟ در قاطعیت بر اساس قانون و بر اساس همان چیزی که در مقررات از او طلب شده است؛ نه در ملاحظه کسی، ملاحظه جمعی، رعایت میل قشری یا گروهی؛ ابداً. اگر

چنین کاری بشود و چنین رعایت‌های خارج از قانونی انجام بگیرد، تخلف شده است. تنها رعایتی که نیروی انتظامی باید بکند، عبارت است از رعایت قانون و رعایت اخلاق در اجرای قانون. البته در اجرای قانون، دو گونه می‌شود عمل کرد: یکی با بداخلاقی و کج‌خلقی و عبوس بودن و تکبر و نخوت و امثال اینها؛ یکی هم با خوش‌اخلاقی و مهربانی، اما با قاطعیت. این نوع دوم باید معمول باشد؛ اعمال قاطعیت، باضافه اخلاق خوب.

مصدق‌هایی از برداشت بزرگان از جامعه فعلی:

- آیت الله جوادی آملی، استاد میرز حوزه علمیه: مشکل جامعه امروز ما بی قانونی و عدم آگاهی و کمبود علم نیست، بلکه مشکل اصلی بی‌اخلاقی‌هاست.

- آیت الله مظاهری، مدرس خارج فقه حوزه علمیه: تهمت به بزرگان به عنوان تهمت سیاسی، گناه بزرگی است که امروزه در کشور رایج شده است و باید از آن پرهیز شود.

- آیت الله صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه: متأسفانه حرف خلاف و دروغ دارد در جامعه شیوع پیدا می‌کند. خلاف گفتن، مال مردم خوردن، خیانت در امانت، در حال شیوع در جامعه است و دستگاه قضائی از این پرونده‌ها فلج می‌شود. (روزنامه آرمان روابط عمومی، 8 مهر 1389). احساس می‌شود که متأسفانه، غیبت کردن، خلاف گفتن، افترا بستن و مسائل این چنین در جامعه رواج دارد و کسی به آن اعتنا نمی‌کند و از کنارش می‌گذرد.

- خسارت غفلت از اخلاق بیانی در دنیا (حاکمیت غیراخلاقی و جنگ)

نادیده انگاشتن اخلاق بیانی، غفلت بزرگ بین المللی محسوب می‌شود و در نتیجه خسارات سترگ حاکمیت غیر اخلاقی، و جنگ و کشتار بر جوامع بشریت را سبب شده است.

ما حاصل این غفلت، انجام جنایات فجیع بشری در جریان جنگ‌های اول و دوم جهانی، جنگ‌های کره، ویتنام، کامبوج، اعراب و اسرائیل، نسل کشی در آمریکا، آفریقا و اروپا، جنگ‌های داخلی لبنان، جنگ ایران و عراق، اشغال کویت، افغانستان و عراق و انجام اعمال غیرانسانی در اردوگاه‌ها و بازداشتگاه‌های نازی‌ها، عراقی‌ها، صرب‌ها، آمریکائی‌ها و اخیراً جنایات گروهی به نام اسلام تحت عناوین، طالبان، النصره، داعش، الشباب، بوکوحرام در سایر کشورها گردید و متأسفانه این نهضت غیر اخلاقی با اسامی دیگر کماکان ادامه دارد.

- خسارت کم توجهی بعد اخلاق بیانی در ایران

کم توجهی و یا به فراموشی سپردن بعد اخلاق بیانی در کشور ما نیز دستاوردهای غیر اخلاقی را به ارمغان آورده است از جمله:

1- رایج شدن پرخاشگری کلامی و حرمت شکنی به انسان‌ها (همو که جانشین خداست و حرمتش چون کعبه واجب است) در رسانه‌ها و سایت‌ها، مجالس، محافل، منابر، تریبون‌ها، میتینگ‌ها پوسترها و بنرها، شعارها و.....

سال تاسیس

2- افت قبح دروغ‌گویی و ریاکاری و زشت‌گویی (همان‌هایی که بالاترین قبح را دارا است)

3- رایج شدن قدر ناشناسی و ناسپاسی به خدمات پیشینیان (همو که عذاب شدید الهی را در پی دارد)

4- مشاهده مصاحبه‌ها و مناظره‌های غیراخلاقی (بزرگان و نامورانی که با آبروی کشور در سطح جهانی بازی می‌کنند)

5- سیر بالا رونده آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی (همان‌هایی که زنگ خطر سلامت کامل جامعه را به صدا در می‌آورند).

6- به کارگیری لحن پرخاشگرانه (کلامی، نوشتاری، تصویری، علامتی) در ادبیات فرهنگی و سیاسی، و حتی محافل مذهبی و اخلاقی

7- دهشتناک تر ازمهمه که این آفت بی‌اخلاقی بیانی، گاهی به عنوان ارزشی و انقلابی تعبیر شود.

- راه‌های کاهش پرخاشگری کلامی و ارتقاء اخلاق بیانی

1- اجتناب از برقراری ارتباط با افرادی که پرخاشگری کلامی دارند.

2- رعایت ادب و نزاکت در برخوردها.

3- تعریف مشکل مورد بحث و تنازع.

4- شناخت مواردی که یک بحث سازنده را به بحث مخرب تبدیل می‌کند.

5- بحث و گفت‌وگو بدون عصبانی شدن و پرخاشگری.

6- آگاهی از موقعیت‌ها و رفتارهایی که پرخاشگری کلامی را تحریک می‌کند.

7- توقف بحث وجدل و ترک موقعیت.

- راه‌های کاهش پرخاشگری کلامی و ارتقای اخلاق بیانی

1- تقویت مهارت‌های ارتباطی

2- تقویت مهارت‌های بحث و گفتگو

3- تقویت مهارت‌های مدیریت سازنده تعارض

4- تشویق و الگوگیری از اخلاقمداران بیانی

5- تقبیح و دوری‌گزینی از بدرفتاران در اخلاق بیانی

◀ نتیجه‌گیری:

1- رعایت حداکثر حرمت و کرامت انسانی در برخورد با دیگران زمان انتقال موضوع، را اخلاق بیانی می‌نامند.

2- پرخاشگری رفتاری است به قصد صدمه رساندن (جسمی یا زبانی) به فردی دیگر پرخاشگری کلامی، اعمال زور، مچ‌گیری، ارباب، سبک‌های مدیریتی که منجر به پیامدهای روان‌شناختی زیانباری برای دیگران می‌شود و نیز طرد اجتماعی عمدی دیگران از مصادیق بارز پرخاشگری هستند.

3- پرخاشگری موجب آسیب روانی، محرک آسیب جسمی (جراحت، قتل) و عامل انتقام‌گیری است.

- درآموزه‌های دینی، تاکید فراوان بر گفتار نرم، خوش، ملایم، نیکو، زیبا، رسا، استوار، پسندیده، کریمانه، مجادله احسن و پرهیز از بیهوده‌گویی، دروغ‌گویی، زشتی و پلشتی‌گویی، عیب‌جویی، سخره‌گویی، مجادله بدون علم شده است.

5- گفتار و امر خداوندی، سلام، سفارش او به پیامبران گفتاری با سلام، پاداش او در بهشت، سلام است.

6- رویه عملی پیغمبر اسلام(ص) و امیرالمؤمنین(ع) و اولیای دیگر در مواجهه با شرایط زمانی و مکانی نیز سلم و سلام و خوش بیانی است.

7- فضای فرهنگی و ادبی ایران باستان و شعرای فرهیخته ایرانی همگی، مشحون از توصیه به نرم‌خویی و نرم‌گفتاری است.

امیدواریم تمامی صاحبان تأثیر و نفوذ کلام از قبیل رهبران اجتماعی، سیاسی، دینی و فرهنگی، روحانیان، اساتید و معلمان، پزشکان و روانپزشکان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، اصحاب رسانه تصویری، گفتاری و نوشتاری، والدین و همه دست‌اندرکاران و آحاد تأثیرگذار کشور برای پالایش پرخاشگری بیانی از فرهنگ عمومی و آرایش آن به گفتار نرم، نیکو، سالم و شایسته اقدام کارشناسی و برنامه‌ریزی شده مستمری را به منصفه ظهور برسانند تا جامعه‌ای مزین به لباس اخلاق بیانی را برای جهانیان و آیندگان ترسیم نماییم.

- دعاء، همگام با پیغمبران

1- دعای حضرت آدم و حوا پس از فریب شیطانی: قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (23) گفتند: ای پروردگار ما! ما بر خود ستم ورزیدیم، و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی مسلماً از زیانکاران خواهیم بود

2- حضرت موسی(ع) پس از دریافت ماءموریت رفتن به سوی فرعون از جانب خدا: قَالَ رَبِّ الشَّرْحِ لِي صَدْرِي (25) وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (26) وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّ لِسَانِي (27) يَقْفَهُوا قَوْلِي (28) سوره ط: موسی(ع) گفت: پروردگارا دل مرا برابم گشاده دار، کارم را بر من آسان کن، گره از زبانم بگشاتا سخنم را دریابند.

زنجبیر را در علم و در عمل
در علم و در عمل

سال تاسیسی

۱۳۸۳